

فرایندهای واجی

۶-۱-۲ هجا و ساخت آن در زبان فارسی

هجا از ترکیب صامتها و مصوتها ساخته می شود و بزرگترین واحد ساخت آوایی زبان است. در مباحث آموزش دبستانی از آن با اصطلاح «بخش» یاد می کنند؛ مثلاً کلمه باران را که متشکل از دو هجای با + ران است دوبخشی می نامند. در نظام آوایی زبان فارسی سه نوع هجا وجود دارد:

الف) صامت + مصوت؛ مانند با در کلمه باران bā + rān

ب) صامت + مصوت + صامت؛ مانند باد در کلمه آباد ā + bād

ج) صامت + مصوت + دو صامت؛ مانند برف barf

صامتها و مصوتها عناصر سازنده هجا هستند، اما ترکیب آنها از طریق قواعد خاصی صوت می پذیرد. این قواعد را که قواعد ساخت هجا می نامیم در زبان فارسی

معیار عبارتند از:

الف) عنصر آغازین هجاهای فارسی همواره یک «صامت» است.

ب) عنصر دوم هجاهای فارسی همواره یک «مصوت» است.

ج) در پایان هجاهای فارسی هیچ گاه بیش از دو صامت نمی آید.

از قاعده نخست چنین برمی آید که عنصر اول هجا در زبان فارسی همیشه صامت است و هیچ مصوتی نمی تواند در آغاز هجا قرار گیرد. در ظاهر ممکن است این نکته در تناقض با نحوه صداکشی که در برنامه تدریس فارسی اول دبستان مشاهده می شود به نظر رسد. توضیح این مطلب بدین صورت است که در آغاز همه این کلمات، صامت همزه هم تولید می شود. یعنی مثلاً آب که به ظاهر دو صدایی است در اصل ترکیبی از سه صدا می باشد (ʔāb). اما همان طور که در هنگام بحث از صامت همزه عنوان شد، چون تولید جداگانه این صامت هنگام صداکشی برای معلمان و دانش آموزان مشکل است، به طور تصنعی در کلمه آب و کلمات دیگر با این شرایط صامت همزه را به عنوان صدای مستقلی محسوب نمی کنیم.

کلمه	تعداد واقعی آواها	تعداد تصنعی آواها طبق ملاحظات آموزشی
آب	آب ۳	āb ۲
اردک	آرداک ۶	ordak ۵
ایران	آیران ۵	irān ۴
ابر	آابر ۴	abr ۳
امام	آامام ۵	emām ۴
او	آو ۲	u ۱

۲-۱-۷ فرایندهای آوایی و آموزش زبان فارسی (حذف، قلب، افزایش و تبدیل)
 هنگام سخن گفتن، «آواهای زبان» (صامت‌ها و مصوت‌ها) به عنوان کوچکترین عناصر
 ساخت آوایی به صورت متوالی و در محور همنشینی در کنار هم قرار می‌گیرند تا
 بزرگترین عناصر این ساخت، یعنی «هجاهای» زبان را بسازند. از طرفی «واژکها»^۱ به

عنوان کوچکترین عناصر ساخت صرفی به صورت متوالی و در محور همنشینی کنار هم قرار می‌گیرند تا بزرگترین عناصر این ساخت، یعنی «واژه‌ها» را بسازند. در جریان این نوع ترکیب در بیشتر موارد تغییری در عناصر اولیه حاصل نمی‌شود؛ مانند:

م	ی + ز	←	میز	میز + بان	←	میزبان
س	ا	←	سا	کار + مند	←	کارمند
				دانش + گاه	←	دانشگاه

اما در برخی موارد هنگام ترکیب عناصر اولیه (آواها یا واژکها) جهت ساختن واحدهای بزرگتر (هجا یا واژه)، بعضی از عناصر اولیه دچار تغییراتی می‌گردند و ماهیت اولیه آنها یا از دست می‌رود یا دچار تغییر می‌شود و یا عنصری به عناصر اولیه افزوده می‌شود؛ مانند:

شن	+ به	←	شنبه	مرد	+ ها	←	مردا
ن	←	م	ه	←	∅		
قفل	←	قلف					
ق	+ ف	+ ل	←	ق	+ ل	+ ف	

قفل ← قلف

ق + ف + ل ← ق + ل + ف

از این تغییرات، در علم زیانشناسی با عنوان فرایندهای آوایی - صرفی یاد می‌شود. در این قسمت از کتاب نقش این فرایندها را در بروز مشکلات یادگیری خواندن و نوشتن، بویژه درس املا، با استفاده از فرایندهای حذف، قلب، افزایش و تبدیل مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. فرایند حذف. در زبان گفتاری هنگام همنشینی عنصر اولیه برای ساختن واحدهای بزرگتر ممکن است یک یا چند عنصر از عناصر اولیه حذف شوند. به همین دلیل این فرایند، «فرایند حذف» نامیده می‌شود؛ مانند:

دزدگیر ← دزگیر

د ← ∅

صبر کن ← صب کن

ر ← ∅

می ر - و - م ← می ر - م

و - ← ∅ ∅

می‌توان با کم کردن سرعت حرف زدن از وقوع این فرایند جلوگیری کرد.

۲. فرایند قلب (جابه‌جایی). در زبان گفتاری چنانچه هنگام همنشینی عناصر اولیه برای ساختن واحدهای بزرگتر، جای دو عنصر با یکدیگر عوض شود، فرایندی به نام «فرایند قلب» (جابه‌جایی عناصر) رخ می‌دهد؛ مانند:

تاکسی ← تاسکی کبریت ← کریت تبریز ← تربیز

این فرایند با میزان سواد پدر و مادر و اطرافیان کودک رابطه مستقیم دارد، به این معنی که هرچه میزان دانش زبانی افراد و کل جامعه نسبت به نظام نوشتاری بیشتر شود، به همان نسبت از وقوع این فرایند جلوگیری می‌گردد.

۳. فرایند افزایش. گاهی اوقات در زبان گفتاری هنگام همنشینی عناصر اولیه برای ساختن واحدهای بزرگتر، یک یا چند عنصر به عناصر اولیه افزوده می‌شود. این فرایند را که به ضعف دانش زبان نوشتاری وابسته است «فرایند افزایش» می‌نامیم؛ مانند:

جهنم ← جهندم^۱

∅ ← د

سن و سال ← سند و سال

∅ ← د

ایوانکی ← ایوانکیف

∅ ← ف

دانش‌آموزان ممکن است بر اثر عادات نادرست زبان‌گفتاری خود، هنگام خواندن متن یا نوشتن املا، به صورت ناآگاهانه فرایندهای حذف، قلب و افزایش را به کار گیرند و در نتیجه در خواندن یا نوشتن دچار اشتباه شوند. همه این فرایندها غیراجباری هستند و اشتباهات حاصل از آنها، چه در خواندن و چه در نوشتن غلط محسوب می‌شود.

۴. فرایند تبدیل. در زبان‌گفتاری چنانچه هنگام همنشینی عناصر اولیه برای ساختن واحدهای بزرگتر، یک عنصر به عنصری دیگر تبدیل شود، فرایندی به همین نام رخ می‌دهد. این فرایند خود بر دو نوع است:

الف) همگونی. چنانچه در جریان همنشینی آواها یک آوا کاملاً به آوای کناری خود تبدیل شود همگونی کامل صورت می‌گیرد و اگر برخی خصوصیات آوای کناری خود را اخذ کند و به آوای سومی تبدیل شود همگونی ناقص صورت می‌گیرد؛ مانند:

۱. ضمناً با این کار فرایند تولید ناقص (تشدید) نیز از بین می‌رود.

همگونی کامل: بد + تر ← بتر
د ← ت

همگونی ناقص: پن + به ← پمبه
ن ← م

ح + ز + ذ + ف ← حَسَف
ذ ← س

ب) ابدال. فرایندی است که طی آن عنصری به عنصر دیگر تبدیل شود. تفاوت آن با همگونی در این است که تبدیل آواها در فرایند همگونی، قاعده‌مند، همیشگی و تابع نظمی خاص است؛ اما تبدیل آواها در فرایند ابدال قاعده‌مند نیست و به صورت منفرد اتفاق می‌افتد؛ مانند:

بلدم ← بلتم	دیوار ← دیفار	طناب ← طناف
د ← ت	و ← ف	ب ← ف
شکر ← شیکر		

سحر ← سیحر

ی ← ی

فرایند همگونی، اجباری بوده ولی فرایند ابدال غیراجباری است. به کار بستن فرایند همگونی برای همه سخنگویان زبان، چه آشنا به نظام نوشتاری و چه بیسواد و کم سواد الزامی و اجباری است؛ ولی در مورد فرایند ابدال، میزان دانش زبانی افراد و اطلاع از نظام نوشتاری باعث کاهش کاربرد این فرایند می شود. بنابراین هنگام خواندن، کاربرد فرایند همگونی اجباری است و معلم نباید دست به اصلاح گفتار دانش آموزان بزند و خواندن مثلاً شنبه به صورت شنبه را غلط پندارد؛ اما البته در املا کاربرد فرایند همگونی غلط محسوب می شود. فرایند ابدال، هم در خواندن متن و هم در نوشتن املا می تواند شخص را دچار اشتباه سازد که در هر دو مورد غلط محسوب می گردد.

تذکر ۱. معمولاً پسران بیشتر از دختران این فرایندها را به کار می برند.

تذکر ۲. گاهی ممکن است در کلمه ای دو یا چند فرایند با هم صورت گیرد:

مشق ← مقش ← مخش
↓ ↓
قلب + ابدال